

آخرین شب دنیا

خاطرات زندگی طلبه نوجوان شهید محمد اصفهانی وطن

لیلا کریمیان

کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف آباد

سرشناسه: کریمیان، لیلا؛ ۱۰۱
عنوان و نام پدیدآور: آخرین شب زندگی شهید محمد اصفهانی وطن / نویسنده: لیلا کریمیان؛ کنگره بزرگداشت سرداران و دودوار و پانصد شهید شهرستان نجف آباد. مشخصات نشر: اصفهان، ستارگان درخشان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.
فروست: مجموعه بچه های آسمان ۲۱.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۸۷-۲۴-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: خاطرات زندگی طلبه نوجوان شهید محمد اصفهانی وطن.
موضوع: اصفهانی وطن، محمد، ۱۳۴۴-۱۳۶۱-- دوستان و آشنایان-- خاطرات
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-- شهیدان
موضوع: داستان های فارسی-- قرن ۱۴.
شناسه افزوده: کنگره بزرگداشت سرداران و دودوار و پانصد شهید شهرستان نجف آباد (۱۳۹۳: نشر)
رده بندی کنگره: ۴۱۳۹۲ ک ۱۶ الف / DSR۱۱۲۱۶
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۵۸۳۴

۲ بیچه های آسمان

«اگر بناست به من بسوزند درخت اسلام بارور شود؛ پس ای خصپاره ها
وای گلوله ها سینه ام را بزنید و بدنم را تکه تکه کنید که چه شیرین
است مرگی که در راه اسلام باشد.
ای جهان خواران بدانید که من اگر بمیرم صد ها چون منی زنده شوند که
همگی آماده اند برای نابودی کفر»
از وصیت نامه شهید

آخرین شب دنیا

خاطرات زندگی طلبه نوجوان شهید محمد اصفهانی وطن

نویسنده: لیلا کریمیان

ناشر: ستارگان درخشان

امور هنری: عبدالحمید امانی

تایپ: آمنه مظاهری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: بهار آزادی نجف آباد

قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

تلفن مرکز پخش: ۰۳۳۱ ۲۷۳۲۴۹۳ - دورنگار: ۰۳۳۱ ۲۷۳۲۴۹۴

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به کنگره بزرگداشت سرداران و دوهزار و پانصد شهید شهرستان نجف آباد است.

فهرست

- مقدمه // ۹
شب شوق // ۱۱
حکایت // ۱۳
هفت بابا // ۱۶
افسانه // ۱۸
شیر و موش // ۲۰
شهیدان زندان // ۲۳
نبخند خورشید // ۲۵
شب امتحان // ۲۶
مثل انگشتان یک دست // ۲۸
مرگ بر شاه // ۳۰
اساس مبارزه // ۳۲
باران بارید // ۳۴
زندگی پاک // ۳۶
قفسی برای آزادی // ۳۸
خستگی ناپذیر // ۴۲
احتکار ممنوع // ۴۳
همپای پدر // ۴۵
در برابر سرما // ۴۷
یارمند // ۴۹
آشپز بی بضاعت // ۵۱
شب های شیدایی // ۵۳

- با دنیای کودکی // ۵۵
پس انداز // ۵۷
خدا نمی رود // ۵۸
بالاخره می روم // ۶۱
اولین تماس // ۶۳
رزم شبانه // ۶۷
در تب جبهه // ۶۹
پاسبان // ۷۱
همانره // ۷۳
اولین دیدار // ۷۵
خاطره ای کتوبه // ۷۷
حرف های ناگفته // ۸۰
سکوت پیرمزن و راز // ۸۲
انکارنشده // ۸۵
لذت اعتماد // ۸۷
شور عشق // ۹۰
آرامش از راه دور // ۹۲
خواب و بیداری // ۹۵
تا خدا راهی نیست // ۹۷
الهام // ۱۰۰
با یاد محمد // ۱۰۳
بوی پدر شهید // ۱۰۵
عیدی خدا // ۱۰۷
آرامش از دست رفته // ۱۱۰
در آتش عشق // ۱۱۲
شفیع // ۱۱۴

چه روزها و چه شب‌هایی بود روزها و شب‌های بچه‌های جنگ! روزهایی که با دست برهنه در تاریکی و پوشیدن کفش‌های پاشنه‌بلند و لباس‌های گشاد می‌گذشتند شب‌هایی که با خستگی و خشوع در برابر خدا و اشک ریختن و التماس کردن...

چه روزها و چه شب‌هایی بود روزهای بچه‌های جنگ! روزهایی که دعاها و استغاثه‌هاشان به سر نشد و رزمندگان شدند و شب‌هایی که بی‌تاب طلوع فجر بودند و چشم انتظار دیدن خورشیدهای آفتاب.

چه روزها و چه شب‌هایی بود روزها و شب‌های بچه‌های جنگ! روزهایی که «سلحه‌ها بردوش می‌کشیدند و قنداق تفنگ‌ها را از کمر می‌سایید و شب‌هایی که به دور از بازی‌های کودکان و هیاهای رجاها، سینه دشمن را نشانه گرفتند. تا سینه اسلام و سینه میهن دیده شود به تیر خصم بدخواهان.

چه روزها و چه شب‌هایی بود روزها و شب‌های بچه‌های جنگ! روزها و شب‌هایی که رگبار دشمن، آسمان بالای سرشان را می‌شکافت و تنها خدا آرام‌بخش دل‌هاشان بود.

روزها و شب‌هایی که خاک‌ریزها آماده باید می‌شدند، تا رزمندگان پشت آن پناه بگیرند. ماکادان و ماسه، ریخته باید می‌شد، تا جاده‌ها باثبات شوند. جاده‌ها باید آماده می‌شدند، تا رفت و آمدها میسر شوند.

چه روزها شبه شبی بود روزها و شب های بچه های نوجوان! آنان که شور و شوق می کردند بسوی شهادت. نوجوانانی که در آسمان جبهه ها چون ماه شب چهارم درخشان بودند. نوجوانانی که سن و سال کمی داشتند؛ اما روح بزرگ شان عصای برافراشته و ایمان شان را فریاد می کشید و تا پای جان ایستادند، ایستادگی کردند و شهادت دادند، تا اسلام و آرمان های مقدس انقلاب اسلامی بماند.

آنان که حین ساختن خاکریزها و سنگر و رشک یافتند و در مردستان جبهه ها مرد شدند. آنان که ابراهیم وار در برابر دشمن ایستادند و در برابر تیر و ترکش، پناهی نداشتند و زمانی وجودشان را حس کردند که داغ و جان سوز در گوشت تن شان نشست.

چه روزها و چه شب هایی بود روزها و شب های بچه های نوجوان جهاد! آنان که یک شبه بزرگ شدند و یک شبه دل از دنیا بریدند. آرزوهای آسمانی آمدند و آسمانی تر رفتند.

کنگرة بزرگداشت سرداران و دوهزار و پانصد شهید شهرستان نجف-آباد